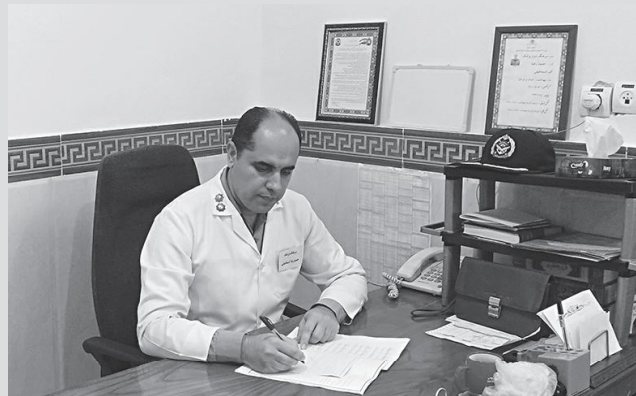


جایگاه «المائه فی الطب» اثر ابوسهل جرجانی در علم تشریح

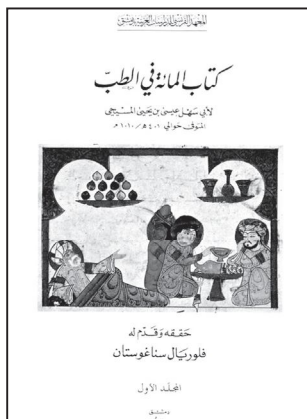
بررسی دو کتاب تشریح الابدان و مختصر در علم تشریح



سرهننگ پزشک حمیدرضا اسماعیلی



یکی از مشاهیر و مفاخر بزرگ ایران زمین و ناحیه گرگان قدیم (جرجان)، ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی جرجانی است که طبیب، فیلسوف، ریاضی‌دان و منجم بزرگ نیمه دوم سده ۴ و اوایل سده ۵ هجری می‌باشد. ایشان در جرجان از خانواده‌ای مسیحی (نصرانی) زاده شد و جهت کسب علم به بغداد رفت و در مدارس و بیمارستان‌های آنجا به یادگیری علم حکمت نظری و عملی پرداخت و بعد از اتمام تحصیل به ناحیه مازندران و خراسان آمد، سال‌ها در دربار آل‌مامون خوارزم زیست. در اکثر کتب تذکره، ابوسهل را استاد ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی دانسته‌اند. ایشان کتب فراوانی در علم طب، علوم طبیعی، حکمت، فلسفه، شعر و خوشنویسی نگاشته است که برخی از آنها تا حال، به یادگار مانده است. یکی از این آثار کتاب «المائه فی الطب» است.



معرفی کتاب المائه فی الطب

معروفترین اثر ابوسهل مسیحی جرجانی، کتاب «المائه فی الطب» یا صد گفتار مسیحی است که در اصل دایره المعارف پزشکی (کُنَاش) می باشد. ثلث اول آن در کلیات علم طب و ثلث دوم آن در امراض عمومی و ثلث آخرش در امراض تخصصی بدن است. این کتاب را در کنار کتابهای «الحاوی» محمد بن زکریای رازی و «قانون» ابن سینا و «ذخیره خوارزمشاهی» حکیم اسماعیل جرجانی برای دوره‌های تکمیلی و تخصصی پزشکی تدریس می کرده‌اند. به قول تاریخ نگاران قدیم، ابوعلی سینا در

جرجان با الهام گرفتن از این کتاب بوده که کتاب معروف قانون خود را نگاشته است. نسخ فراوانی از این کتاب در کتابخانه‌های بزرگ ایران و جهان وجود دارد.

در طی قرون گذشته تابحال بزرگان و طبیبان فراوانی از نظرات ابوسهل مسیحی و بخصوص کتاب «المائه فی الطب» او بهره‌ها برده و در کتابهای خود از آن مطالبی را ذکر کرده‌اند، مانند ابوعلی سینا در کتاب قانون، نجیب‌الدین محمد سمرقندی در کتاب الاسباب و العلامات، امام فخرالدین رازی در شرح مشکلات کتاب القانون بوعلی سینا، قطب‌الدین ابراهیم سلمی مصری در شرح قانون، قطب‌الدین محمود شیرازی در کتاب التحفه السعديه، علامه سدیدالدین کازرونی در کتاب المغنی فی شرح الموجز، ابن نفیس کرمانی در شرح الاسباب و العلامات، مدین بن عبدالرحمان قوصونی مصری در کتاب قاموس اطباء و ناموس الالباء، حکیم اعظم خان در کتاب اکسیر اعظم و تیر اعظم، حکیم عقیلی خراسانی در کتابهای مختلف خود مثل قرابادین کبیر و خلاصه الحکمه و ... متأسفانه در حین نگارش زندگینامه ابوسهل مسیحی و ترجمه کتاب المائه فی الطب توسط نگارنده این سطور، به کتابهایی برخورد کردم که مطالب فراوانی از ابوسهل را آورده ولی ذکری از نام ایشان نداشتند. البته به نظر برخی از مصححین کتب قدیمه، شاید دلیل این امر، مسیحی بودن ایشان بوده که باعث شده نامی از او در کتب خود نیاورند.

اینجانب در حین ترجمه فصول مربوط به تشریح اعضای بدن از کتاب المائه فی الطب مسیحی از دو کتاب معروف در علم تشریح بدن به نامهای تشریح منصور بن منصور اثر منصور بن محمد شیرازی از طبیبان قرن هشتم هجری و دیگری کتاب مختصر در علم تشریح اثر حکیم ابوالمجد طبیب بیضاوی استفاده کردم. در حین بررسی این کتب متوجه شدم که برخی از جملات آنها عیناً ترجمه فارسی جملاتی از کتاب المائه ابوسهل است. با بررسی‌های بیشتر در این دو کتاب و مطالعه کاملتر متن آنها متوجه این مطلب شدم که در متن آنها نامی از ابوسهل و کتابش برده نشده است. بر خود لازم دانستم که مقاله‌ای درباره مقایسه جملات این کتب با کتاب المائه بنویسم تا بر همگان اهمیت کتب پزشکی ابوسهل مسیحی جرجانی آشکار گردد.

مسیحی‌دانا



کتاب تشریح الابدان معروف به تشریح منصوروی

این کتاب اثر معروف منصور بن محمد بن احمد شیرازی از پزشکان قرن ۸ در ناحیه فارس و شهر شیراز و هم دوره حافظ شیرازی است. این کتاب اولین کتاب مصور در تشریح بدن انسان است که نسخ فراوانی در دنیا از آن موجود است. این کتاب در سال ۷۹۸ ه.ق به اتمام رسید و به پیرمحمدبهدرخان فرزند جهانگیر تقدیم شده است. نویسنده این کتاب برای نگارش کتاب خود از آراء بزرگان طب قبل از خود بهره گرفته است مثل بقراط، ارسطو، جالینوس، رازی، ابن سینا، علی بن عباس مجوسی اهوازی و فخرالدین رازی. بیشتر کتب مرجع

آن عربی بوده در نتیجه اصطلاحات عربی در آن فراوان بکار رفته است و نویسنده آن سعی در استفاده از معادل‌های فارسی در این کتاب نداشت و همچنین از بردن نام علی بن عباس مجوسی اهوازی که زرتشتی بوده است اجتناب کرده و به جایش از اصطلاح صاحب کامل یعنی کتاب «کامل الصناعه الطیبه» استفاده کرده است. شاید به همین دلیل هم از بکار بردن نام ابوسهل مسیحی اجتناب کرده است. به نظر می‌رسد، نویسنده کتاب تشریح منصوروی از کتاب مختصر در علم تشریح در نگارش کتاب خود استفاده کرده است و چون در کتاب فوق نامی از ابوسهل برده نشده در نتیجه منصور بن محمد شیرازی هم نامی از ایشان نبرده است.

کتاب مختصر در علم تشریح



این کتاب اثر حکیم ابوالمجد طیب بیضاوی از پزشکان ناحیه فارس که قرن نگارش آن به درستی مشخص نیست. برخی این اثر را نوشته سال ۶۲۰ قمری دانسته‌اند که به خاطر بهره بردن از آراء ابن نفیس قرشی (۶۰۷-۶۸۷ ق) و کتاب شرح تشریح قانون بوعلی سینای ایشان، این سال اشتباه می‌باشد و برخی هم به اشتباه آنرا از قرن یازدهم هجری می‌دانند که بیشتر سال کتابت برخی نسخ آنرا در نظر گرفته‌اند. بیشتر به نظر این کتاب هم مربوط به همان سده‌های ۸ و ۹ هجری می‌باشد. نویسنده این کتاب

هم از آثار و آراء اطباء پیشین مثل ارسطو، جالینوس، ابن سینا، حکیم جرجانی و علاءالدین ابن نفیس قرشی بهره‌ها برده و مانند تشریح منصوروی پر از لغات عربی نامأنوس می‌باشد. ازین کتاب فقط سه نسخه تا بحال شناخته شده است. (نسخه کتابخانه دانشگاه تهران و موزه ملک و موزه بریتانیا)



برخی تشابهات المائه فی الطب با مختصر در علم تشریح

۱- اولین موردی که در این دو کتاب توجه مرا به خود جلب کرد، تقسیم بندی فصول آنهاست. در کتاب المائه مسیحی جرجانی، فصل‌های ۳ و ۴ و ۵ آن در مورد علم تشریح بدن می‌باشد. تقسیم بندی فصول کتاب مختصر در علم تشریح با فصل ۳ کتاب المائه تقریباً مشابه است که از بحثی پیرامون کلیات اعضای ساده (بسیط) و مرکب و تعاریف آنها شروع و بعد به تشریح عظام (استخوانها)، عصبها، وریدها (سیاهرگها)، شریانها (سرخرگها) و عضلات منتهی می‌گردد و بعد در فصل ۴ المائه به شرح

اعضای مرکب بدن می‌رسیم که آنها را با تشریح مغز (دماغ) و به دنبال آن چشم و گوش و بینی و زبان و گردن و اعضای قفسه سینه مثل قلب و ریه ادامه می‌یابد.

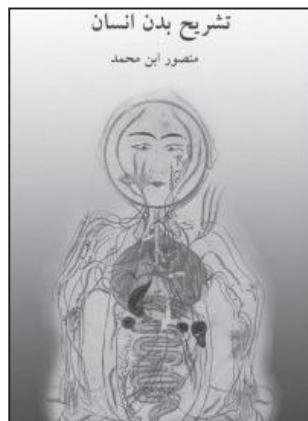
۲- در مطالعه متن این کتابها گاهی دیده شده که مثال‌هایی که در مورد برخی موضوعات در کتاب مختصر در علم تشریح آورده شده، عیناً ترجمه مثالهای کتاب المائه ابوسهل و به همان ترتیب است. مثلاً در صفحه ۶۶ کتاب مختصر در علم تشریح آمده است: «و بعضی از اعضاء مرکبه، ظاهر است مثل سر و گردن و سینه و دست و پای و پشت ...» و در صفحه ۲۴ کتاب المائه ابوسهل آمده است: «و الاعضاء اما ظاهره و هی الرأس و العنق و الصدر و الید و الرجل و البطن و الصُلب...» و مثال‌های فراوان دیگری که در کل متن دیده می‌شود.

۳- بسیاری از قسمتهای کتاب مختصر در علم تشریح عیناً ترجمه خط به خط کتاب المائه ابوسهل است. مثلاً در صفحه ۶۷ کتاب مختصر در علم تشریح آمده است: «و بعضی از اعضاء متشابه الاجزاء، لَین است مثل لحم و شحم و ثرب و غشاء و جلد و بعضی صلب است مثل عظم و غضروف و ظفر و رباط و وتر» و در صفحه ۲۴ کتاب المائه اینچنین آمده است: «و الاعضاء المتشابهة الاجزاء منها ما هو لَین كاللحم و الشحم و الثرب و المِخ و الاعشیه و الجلد، و منها ما هو صلب كالعظم و الغضروف و العصب و الظفر و الرباط و الوتر و العروق» همچنین در صفحه ۶۷ کتاب مختصر در علم تشریح نوشته شده است: «و قسمی (گوشت) آن است که متخلل است میان شظایای عصب در عَضَل و آن را لحم مطلق گویند و یک قسم، آن است که متخلل است میان عروق در احشاء مثل لحم کبد و لحم ریه و لحم طحال» و در صفحه ۲۵ کتاب المائه ابوسهل اینچنین ذکر شده است: «و مِنْ اللَّحْم ما هو حشو بین شظایا العصب فی العَضَل و هو الَّذی یُسَمَّى اللَّحْم علی الاطلاق و مِنْ اللَّحْم ما هو حشو بین العروق فی الاحشاء مثل لحم الكبد و لحم الطحال و لحم الریه».

۴- در صفحه ۶۷ کتاب مختصر در علم تشریح به کلمه‌ای برخوردارم (شظایا) که کاتب نسخه موزه ملک آنرا به صورت شظایا نوشته و کاتب نسخه کتابخانه دانشگاه تهران

به صورت شطایا آورده است و جالب است که همین دونوع نگارش در نسخ مختلف کتاب المائه مسیحی جرجانی هم دیده شده است که این نگارشها به دلیل بدون نقطه بودن نسخ قدیمی این کتاب رخ داده است و این هم یکی از دلایل استفاده ابوالمجد بیضاوی از کتاب المائه مسیحی می‌باشد.

۵- برخی اصطلاحات پزشکی درطب قدیم معادل‌های فراوانی دارد و در کتب مختلف طب از آنها استفاده شده است. در کتاب مختصر در علم تشریح با اینکه از کتابهای مختلف اطبای قبل از خود سود برده است ولی برخی اصطلاحات بکار رفته در آن با اصطلاحات کتاب المائه سازگارتر و معادلتر است. مثلاً در صفحه ۶۸ درمورد تقسیم بندی انواع استخوانها از اصطلاحات مُصَمَّت (سخت) و مُشَاشی (متخلخل) استفاده شده است که این تقسیم بندی در کتاب المائه ابوسهل هم درمورد استخوان بکار رفته است و در کتب دیگر طبی که در این کتاب سود برده شده از اصطلاحات معادل صُلب و هُشی استفاده شده است.



۶- در مقدمه کتاب مختصر در علم تشریح، تصحیح دکتر رضوی بر قعی صفحه ۳۸ بند ۲ آمده است: «واوهای اضافی که باعث سردرگمی خواننده می‌شود امروزه منطبق با نگارش درست در زبان پارسی نیست. این واوهای افزونه سندی است بر اینکه کتاب ترجمه کامل یا ناقص از چند کتاب است...» مصحح محترم این کتاب متوجه این نکته نشده است که یکی از کتب مرجع ابوالمجد بیضاوی در نگارش کتاب خود همانا کتاب المائه ابوسهل جرجانی است و اینگونه واوهای اضافی در این کتاب به وفور یافت می‌شود.

۷- حین مطالعه کتاب مختصر در علم تشریح متوجه اشتباهاتی در کتابت آن شدم که معنی برخی جملات را نامفهوم کرده که با مقابله آن با کتاب المائه فی الطب آن کلمات را می‌توان اصلاح کرد. مثلاً در صفحه ۲۸۳ کتاب مختصر در علم تشریح آمده است: «زبان آن است که حلقوم به آن احساس طعم کند و در کلام به اعانت دندان، تقطیع حروف و اخراج هر یکی از مخارج خود کند و آواره اطعمه کند و در دهان در حالت مرضع» و در صفحه ۴۱ کتاب المائه ابوسهل آمده است: «و اللسان آله يتعرف بها الطعموم و يتنفع بها في الكلام و إدارة الأَطْعَمَة في اللهوات عند المَضْغ» مقایسه این دو عبارت نشان می‌دهد که در کتاب مختصر در علم تشریح به جای کلمه آواره اطعمه، باید اداره اطعمه بکار می‌رفت و به جای در حالت مرضع، در حالت مَضْغ باید نوشته می‌شد.

مطالبی که ذکر شد همگی نشان از آن دارد که یکی از مراجع مهم نگارش و تدوین کتاب مختصر در علم تشریح اثر ابوالمجد طیب بیضاوی، کتاب ارزشمند المائه فی الطب اثر

ابوسهل مسیحی جرجانی بوده است. در ضمن با مطالعه و مقابله کتاب مختصر در علم تشریح و تشریح منصوری به این نتیجه می‌توان رسید که نویسنده تشریح منصوری یا از کتاب مختصر در علم تشریح بهره برده و یا از همان مراجع سود برده است. این مطالب همه حاکی از ارزش بالای کتاب المائه ابوسهل در بین طبیبان قدیم می‌باشد.

منابع

- ۱- المائه فی الطب- ابوسهل مسیحی جرجانی - نشر مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی و مکمل دانشگاه ایران - چاپ اول ۱۳۸۴
- ۲- مختصر در علم تشریح - ابوالمجد طبیب بیضاوی - تصحیح دکتر سیدحسین رضوی برقی - نشر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل - چاپ اول ۱۳۸۷
- ۳- تشریح بدن انسان معروف به تشریح منصوری - منصور بن محمد شیرازی - تصحیح دکتر سیدحسین رضوی برقی - نشر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل - چاپ اول ۱۳۸۲
- ۴- تشریح الابدان - منصور بن محمد شیرازی - تصحیح یوسف بیگ باباپور - نشر مجمع ذخائر اسلامی قم - چاپ دوم ۱۳۹۸